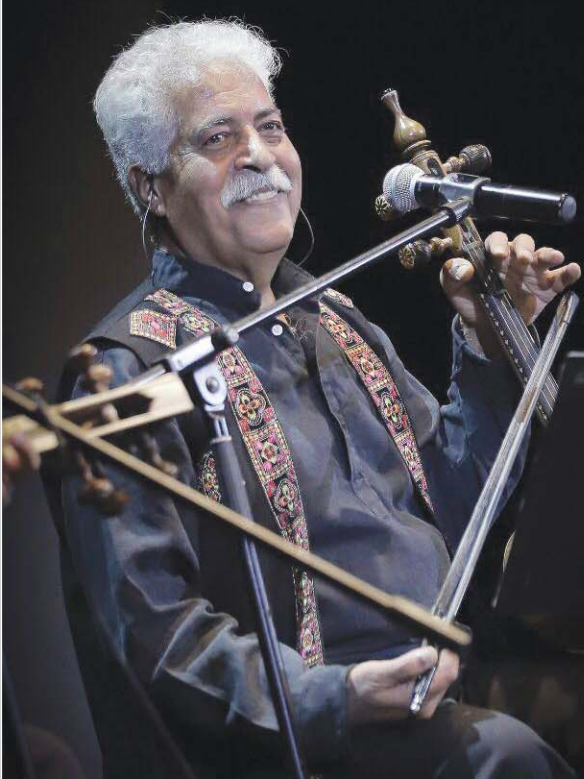


گفت‌وگو با فرج علیپور، خواننده و نوازنده کمانچه

## هزینه‌های برگزاری کنسرت سرسام‌آور است



فرانگ آرتا

«فرج علیپور»، خواننده و نوازنده ساز کمانچه، سال‌هاست در این حیطة فعالیت می‌کند. ذوق و شوق او از دوران کودکی شکوفا شده است. او با وجود اینکه کنسرت‌های زیادی اجرا کرده و موسیقی اصیل لری را در معرض قضاوت جهانیان در کشورهایی همچون آلمان، فرانسه، بلژیک، انگلیس، سوئد، نروژ، دانمارک، استرالیا، عراق و دومی قرار داده است، اما به راحتی نمی‌تواند برای اجراهای کنسرت خود همچون نسل جدید خوانندگان پاپ که عکس‌های آنها در تراکت‌های تبلیغاتی در سطح شهر به وفور دیده می‌شود، تبلیغات کند. علیپور سال ۱۳۳۷ در خرم‌آباد دیده به جهان گشود و آموختن کمانچه را از همان اوان کودکی نزد عمویش آغاز کرد. سال ۱۳۴۸ مردم خرم‌آباد برای اولین بار نوای کمانچه علیپور را در صفحه‌های گرامافون با عنوان «دختر دهاتی» و «کیزه و شو» به خوانندگی بهمن اسکینی شنیدند. او چند سال پیش از سوی شورای ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشان درجه یک هنری (معادل دکتری) به دلیل نوازندگی چیره‌دست و بداهه‌نوازی موسیقی مقامی لرستان را دریافت کرد.

### این روزها مشغول چه کاری هستید؟

مثل همیشه به کارهای روزمره‌ام مثل رسیدگی به کارخانه رب کوجه و... مشغول هستم. بالاخره کار زیاد داریم.

### منظورتان این است که از طریق موسیقی گذران زندگی نمی‌کنید؟

همین‌طور است، موسیقی درآمدی ندارد! هرچند موسیقی همه عشق، روح و روان ماست. اما آیا با این اوضاع و احوال اقتصادی و بی‌توجهی به فرهنگ و هنر می‌توان از طریق موسیقی درآمد مکفی کسب کرد؟ به همین دلیل مجبوریم برای زندگی‌کردن مثل دیگران هم کار کنیم. من کارخانه رب کوجه دارم و همین‌طور خشکبار تهیه می‌کنیم و خلاصه اینکه ما هم مثل مردم هستیم.

شما از چهره‌های بنام لرستان هستید و چند سال پیش به شما نشان درجه یک هنری (معادل دکتری) به عنوان نوازنده چیره‌دست و بداهه‌نواز موسیقی مقامی لرستان اعطا شد. با این حال به نظر می‌رسد که از اوضاع و شرایط راضی نیستید؟

به نکته خوبی اشاره کردید. با اینکه امثال ما هم شناخته‌شده هستیم، اما همچنان در اجرا به موانع برمی‌خوریم.

بله. در جریان لغو کنسرت شما در کرج بودم. اما بعداً تکذیب شد که چنین چیزی نیست! اصل موضوع چه بود؟

اینکه کنسرت بنده لغو شد کاملاً صحت دارد. قرار شده بود که بنده و گروه‌ام در تاریخ مشخصی که البته مجوز هم داشتیم در سالن نژادفلاح کرج کنسرت اجرا کنیم و حدود هزار و ۴۰۰، هزار و ۵۰۰ بلیت نیز فروختیم. همه چیز مهیا بود

که قبل از اجرا گفتند کلاً برنامه کنسل شد! همه ما هاج‌وواج ماندیم! دلیلش را جویا شدیم. پاسخ روشنی ندادند، فقط گفتند از بالا خواسته‌اند که نباید اجرا شود، همین! هرچند دلیل را پیگیری کردیم و هنوز هم نفهمیدیم چرا.

### با این حال در تالار وزارت کشور توانستید کنسرت اجرا کنید؟

بله. ظاهراً اینجا می‌شد کنسرت اجرا کرد. مثلاً در فلان شهر می‌توانیم کنسرت اجرا کنیم و در شهر دیگر نمی‌توانیم. خلاصه خیلی هم نمی‌دانیم دلیل این شدن و نشدها چیست. جالب است که همه کار ما قانونی است و مجوزهای لازم را همیشه از مراجع مربوطه دریافت می‌کنیم.

آقای علیپور، با وجود چنین مشکلاتی در حیطة اجرا، چرا مسیره‌های دیگری را برای به اشتراک گذاشتن موسیقی امتحان نمی‌کنید؟

ما همه مسیره‌ها را طی کرده‌ایم که الان در این نقطه قرار گرفته‌ایم. سال‌ها قبل به سختی تیراک یا آلبوم ضبط می‌کردیم و آهنگ‌ها از طریق کاست یا سی‌دی به فروش می‌رسید. اما مگر تهیه آلبوم به این سادگی‌ها بود! هزینه‌های زیادی باید متحمل می‌شدیم تا یک آلبوم تکثیر و پخش شود. هزینه استودیو، نوازنده و... که برای ما خیلی بالا بود. بعد تازه در بازار قاچاق سی‌دی‌ها در اختیار مردم قرار می‌گرفت بدون اینکه ذره‌ای حق و حقوق ما پرداخت شود. تازه این وضعیت برای هنرمندان شهرستانی خیلی سخت‌تر بود. واقعا در حق هنرمندان شهرستانی اجحاف شده است. ما هم به راحتی به این نقطه نرسیدیم. کم‌کم به این نتیجه رسیدیم که تنها اجرای موسیقی و کنسرت می‌تواند سرمایه را برگرداند اما با چه مکانیسمی! هزینه‌های سالان آن قدر زیاد است که حتی فروش بلیت‌ها کفاف پرداخت هزینه‌اش را نمی‌کند. شاهد بودم هنرمندانی با

هزار زحمت یک سالن کوچک را اجاره می‌کنند اما مخاطبان توانایی پرداخت هزینه‌ها را نداشتند. دولت اصلاً به هنرمندان شهرستانی نمی‌رسد. الان موسیقی دست بولدورها افتاده است. البته منظورم همه خوانندگان و هنرمندان نیست، اما اغلب افراد با استعداد‌های قلیل پول‌های زیادی خرج می‌کنند تا پوسترشان چاپ شود و بعد کنسرت اجرا می‌کنند که شما حتماً می‌بینید که کارشان فاقد کیفیت است. آن وقت هنرمند شهرستانی با استعداد فراوان حتی نمی‌تواند خرج روزمره خود را دریاورد.

### توقع شما از دولت چیست؟

دست‌کم برای کارمندان خود ۱۰۰ یا ۲۰۰ بلیت از کنسرت‌های هنرمندان خریداری کند که هم کارمندان تمایل به رفتن به کنسرت پیدا کنند و هم کمکی به گروه موسیقی شود. وگرنه هنرمند در این کشور کم نیست، فقط مورد توجه مسئولان فرهنگی قرار نمی‌گیرد.

### به نظر شما وضعیت موسیقی نواحی چگونه است؟

چندان توجهی به آنها نمی‌شود.

امثال محمدرضا درویشی یا صندوق اعتباری هنر در دوره گذشته توجهی واقف به هنرمندان موسیقی داشتند. به نظر شما این حرکات کمکی به حفظ و اشاعه موسیقی نمی‌کند؟

همه این کارها خوب است اما کافی نیست.

### خود مردم مناطق برای حفظ موسیقی خود چه می‌کنند؟

من که از نزدیک با مردم شهرهای مختلف لرستان معاشرت می‌کنم، شاهد هستم که مثلاً در خانه ۵۰ درصد مردم خرم‌آباد ساز کمانچه وجود دارد.

به چشم خود دیدم که یک پسر ۱۰ساله به گونه‌ای کمانچه می‌نواخت که من که سال‌ها با کمانچه مانوس هستم، خجالت کشیدم از بس که درست و لطیف بود. بالاخره مطمئن باشید که مردم لرستان آن قدر هنردوست هستند که نمی‌گذارند هنرشان مدفون شود. اما مهم این است که دولت‌مردان برای فرهنگ و هنر این سرزمین چه می‌کنند! آیا آنها هم به داد فرهنگ خواهند رسید یا نه. من خودم تا آنجا که دستم برسد سعی می‌کنم هوای هنرمندان را داشته باشم. اما مگر خودم چند نفر هستم؟ گاهی اوقات با من تلفنی صحبت می‌کنند و من هم واقعا نمی‌دانم که چه کنم! اما دولت در این مواقع می‌تواند کاری کند.

شما که کنسرت‌های زیادی برای مردم ایران و خارج از کشور اجرا کرده‌اید، ذائقه مردم به سمت چه نوع موسیقی گرایش دارد؟

مردم موسیقی شاد دوست دارند. مردم سختی و مرارت‌های زیادی کشیده‌اند و دلشان می‌خواهد از طریق موسیقی خوب، شاد شوند. اصلاً موسیقی شاد روح مردم را نوازش می‌کند و چه چیزی بهتر از اینکه دل مردم را شاد کنیم.

### به نظر شما چرا موسیقی لری اغلب شاد است؟

به خاطر جغرافیای این منطقه. لرستان پر از طبیعت بکر و سرسبز است. مردم وقتی کار می‌کنند با موسیقی طبیعت و درخت و باد هم‌نفس می‌شوند. اصلاً طبیعت خودش موسیقی است.

### خودتان چقدر در تربیت نسل جدید کوشا هستید؟

من سال‌ها آموزشگاه موسیقی در تهران داشتم و در تدریس کمانچه تلاش کردم شاگردانی تربیت کنم. با اینکه سال‌ها در تهران زندگی می‌کنم، اما هر وقت که فرصت پیش می‌آید به لرستان می‌روم. آنجا قلب و روح من است.

## به بهانه حضور «دولتمند» استاد موسیقی و خواننده تاجیک

# موسیقی آسیای مرکزی یکی از موسیقی‌های غنی ماوراءالنهر

یکی از موسیقی‌های غنی ماوراءالنهر است و موسیقی می‌تواند سرفصلی برای سایر اتفاقات از لحاظ فرهنگی و هنری و بایستی شناخت باشد. دولتمند خائف، استاد موسیقی، نوازنده و خواننده تاجیک است. او مسلط به نواختن دوتار، قیچک و سه‌تار و استاد موسیقی محلی جنوب تاجیکستان موسوم به فلک است. آهنگ‌ها و آوازهای او حالت صوفیانه دارند و عمدتاً بر اساس اشعار مولوی تنظیم شده‌اند. او بزرگ‌ترین فلک‌سرای تاجیکستان است که علم موسیقی را نیز در مدرسه موسیقی و دانشگاه هنر تاجیکستان آموخته و به همین دلیل با موسیقی جهان آشنایی دارد. دولتمند در آغاز دهه ۹۰ هجری خورشیدی، ترانه‌ای را با نام «پناه» در مدح علی بن موسی الرضا(ع)، امام هشتم شیعیان، خواند که در ایران مورد توجه بسیاری قرار گرفت و موجب شهرت او در ایران شد. شعر قطعه «پناه» سروده شاعر معاصر ایرانی محمود حبیبی‌کسیبی است و آهنگ‌سازی این اثر را طویجان آتابای نیازی بر عهده داشته است. دولتمند همان‌گونه که به موسیقی اصیل تاجیکستان و اشعار مولانا پاینده است، از شعرهای شاعران معاصر نیز استفاده می‌کند و چند آلبوم از گزیده کارهای او در ایران منتشر شده است.



سنت‌ها و چه فرهنگ و هنری را دنبال می‌کنند». عظیمی‌نژاد با اشاره به تلاش‌هایش در شناخت و یادگیری موسیقی نواحی ادامه داد: در این مدتی که کارهای استاد را دنبال می‌کنم و به واسطه کارهای مشترکی که در حال انجام هستیم، به لحاظ مقام و پرده که شاخصه دستگاه‌های موسیقی ایران است، تاجیک‌ها مقام‌هایی دارند که بسیار نزدیک به موسیقی شمال البرز و موسیقی کتول است؛ به گونه‌ای که گمان می‌رود این قرابت می‌تواند تمام این مرزها را بشکند و شاید کارهایی که از استاد به دل ما می‌نشیند، به سبب وجود همین نزدیکی‌های شدید است». او ادامه داد: موسیقی آسیای مرکزی

آریا عظیمی‌نژاد گفت: «موسیقی آسیای مرکزی یکی از موسیقی‌های غنی ماوراءالنهر است و موسیقی می‌تواند سرفصلی برای دیگر اتفاقات از لحاظ فرهنگی و هنری و بایستی برای شناخت باشد. این آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان شامگاه گذشته در مراسم «سرود مهربانی» که هم‌زمان با ولادت امام رضا(ع) با حضور استاد دولتمند خائف، هنرمند پرواژه تاجیک، حسین

امینی‌مشهدی، سرپرست سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی و برخی از علاقه‌مندان که در مجتمع دکتر شریعتی جهاد دانشگاهی مشهد برگزار شد، اظهار کرد: «ما مرزهای جغرافیایی داریم که ماجرای فرهنگ و هنر از این مرزها خارج است و هنر مرزهای متفاوتی دارد». او اضافه کرد: «شاید با یک نگاه جامع بتوان گفت مرز وجود ندارد. ارتباط ما با کشور تاجیکستان از همان مرزبندی‌های غیرمتعارف سیاسی و بین‌المللی است، زبان مشترک داریم و در درک جزئیات ادبیات قرابت‌هایی داریم؛ اما درک کامل وجود ندارد و باید یک زبان تخصصی در کنارش یاد بگیریم که بدانیم چه ادبیات، چه

## خولیو ایگلسیاس و ابتلا به بیماری زوال عقل

تینا ترنر، هنرمندی الهام‌بخش

تینا ترنر، یکی از صداهای جادویی دنیای موسیقی، در ۸۳سالگی درگذشت. او که به «ملکه» سبک راک اند رول شهرت داشت، زندگی سختی را پشت سر گذاشت و برای رسیدن به این جایگاه هنری از سدهای متعددی عبور کرد. او در جامعه بسسته موسیقی آمریکا که به دلیل سیاه‌پوست‌بودن و البته زن‌بودن شانس‌های کمی برای طی کردن پله‌های ترقی نداشت، توانست صدای خود را با فریادی بزرگ به گوش جامعه هنری برساند. فریادهای او در بیشتر آهنگ‌هایش نشان از اعتراضش به بی‌عدالتی‌هایی داشت که تاکنون متحمل شده بود. او که در ابتدا در کنار شوهرش به شهرت رسید، بعد از زندگی سخت از همسرش جدا شد و عنوان کرد که در رابطه زناشویی مورد ظلم واقع شده است. او بالاخره توانست در دهه ۸۰ میلادی به اوج شهرت خود برسد. او بعد از الویس بریسیلی لقب «ملکه راک اند رول» را کسب کرد. او در دوران هنری خود موفق به کسب هشت جایزه گرمی شد. خواننده‌های بسیاری تینا ترنر را الگوی خود قرار دادند و سبک خوانندگی او بعدها در میان کسانی همچون ماریا کری، جانت جکسون، بیانسه و ریچانا تکرار شد. خانم ترنر هنگام مرگ ۸۳ سال داشت و در سال‌های اخیر با مشکلات جسمی متعددی مانند سرطان، سکته مغزی و نارسایی کلیه دست‌وپنجه نرم کرد.



«خولیو ایگلسیاس» خواننده سرشناس لاتین و پدر «انریکه ایگلسیاس» دچار مشکلات جدی سلامتی شده تا حدی که حتی متن ترانه‌هایش را به یاد نمی‌آورد. به گزارش «شترق» به نقل از منابع خارجی، «خولیو ایگلسیاس» خواننده بزرگ اسپانیایی مدتی است که در انتظار عمومی ظاهر نشده است؛ موضوعی که باعث نگرانی هوادارانش شده؛ چراکه وضعیت سلامتی او زیر سؤال رفته و پیش از این نیز برخی خبرها درباره وضعیت سلامتی او منتشر شده است. به گفته مجریان یک برنامه تلویزیونی در آرژانتین، یک جراحی قدیمی باعث شده است «خولیو ایگلسیاس» به اندازه‌ای درد داشته باشد که ناگزیر شود روی ویلچر بنشیند و این موضوع باعث بدتر شدن سلامت روانش نیز شده است. این هنرمند ۷۹ساله در ابتدای جوانی دچار تصادف وحشتناکی شده و ستون فقرات خود را تحت عمل جراحی قرار داده و این موضوع در درها و ناراحتی‌های زیادی را در طول زندگی برای او به همراه داشته است. همچنین گفته می‌شود سیستم حرکتی و شناختی «خولیو ایگلسیاس» به درستی کار نمی‌کند، به همین دلیل است که او دیگر حتی آهنگ‌های خودش را هم به خاطر نمی‌آورد. ارتباط مستقیم برقرارکردن این هنرمند سرشناس موسیقی لاتین با دوستانش، گمانه‌زنی‌ها و نگرانی‌ها درباره وضعیت سلامتش را دوچندان کرده است.

